



Quranic Studies (Specialized Quarterly)
Vol.5 / No.16 / Summer 2025
<https://www.iict.ac.ir>

...

Content Coherence of the Qur'an: Systematic Harmony and Consistency Among Its Teachings

Hasan Kharaghani

Faculty Member, Department of Quranic and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran

Email: kharaghani@razavi.ac.ir

Orcid: [0009-0006-5824-5029](https://orcid.org/0009-0006-5824-5029)



Citation

Kharaghani, H. (2025). Content Coherence of the Qur'an: Systematic Harmony and Consistency Among Its Teachings. (e736219). *Quranic Studies*, 5(16), e736219 doi: 10.22034/qs.2025.736219

[10.22034/qs.2025.736219](https://doi.org/10.22034/qs.2025.736219)

Type of Article: Research Article

Received: 2025/12/01

Accepted: 2026/02/24

Revised: 2026/01/29

Publish Online: 2026/05/02

Abstract

This study aims to elucidate the concept of “content coherence of the Qur’an” and to examine claims of inconsistency within its teachings. Using a descriptive–analytical approach, relying on library resources—including Qur’anic verses, narrations, the works of Muslim exegetes and Qur’anic scholars, as well as the perspectives of Orientalists—the research investigates the internal unity of the Qur’an and its comprehensive structure centered on Tawhid (the oneness of God). The findings indicate that the Qur’an, emphasizing internal coherence and negating any form of divergence (Qur’an 4:82), presents a harmonious and integrated system of teachings. Common misconceptions regarding contradictions—such as in divine attributes, resurrection, stories of prophets, and legal rulings—are mainly the result of neglecting interpretive principles, differences in the levels and aspects of a single subject, or ignoring contextual and textual clues. This article evaluates alleged contradictions with examples and offers solutions such as interpreting the Qur’an with the Qur’an, clarifying the logical conditions for identifying contradictions, and distinguishing between different levels of expression. It demonstrates the profound content coherence of the Qur’an and refutes claims of conflict or contradiction.

Keywords

Qur’anic coherence, unity of the Qur’anic text, contradiction in verses, contradiction denouncement, Qur’anic interpretation by the Qur’an, Muhkam and Mutashabih, response to Qur’anic objections.



Copyright © 2024 The Author(s);

This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (CC-BY-NC: <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/legalcode.en>),

which permits use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and is not used for commercial purposes.



قرآن پژوهی (فصلنامه تخصصی)
سال پنجم / شماره ۱۶ / تابستان ۱۴۰۴
نوع مقاله: پژوهشی
<https://www.iict.ac.ir>
...

انسجام محتوایی قرآن، نظام وارگی و هماهنگی میان معارف

حسن خرقانی ^{ID}

استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران

Email: kharaghani@razavi.ac.ir

Orcid: [0009-0006-5824-5029](https://orcid.org/0009-0006-5824-5029)



استناد به این مقاله:

خرقانی، حسن. (۱۴۰۴). انسجام محتوایی قرآن، نظام وارگی و هماهنگی میان معارف. قرآن پژوهی 5(16), e736219 doi: 10.22034/qs.2025.736219

[10.22034/qs.2025.736219](https://doi.org/10.22034/qs.2025.736219)

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۰۹
تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۵

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

این پژوهش با هدف تبیین مفهوم «انسجام محتوایی قرآن» و بررسی ادعاهای ناسازگاری در آموزه‌های آن، با روش توصیفی - تحلیلی و با اتکا به منابع کتابخانه‌ای (آیات قرآن، روایات، آثار مفسران و قرآن پژوهان مسلمان و نیز دیدگاه‌های خاورشناسان) انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که قرآن کریم با تأکید بر وحدت درونی و نفی هرگونه اختلاف (نساء: ۸۲)، نظامی هماهنگ و یکپارچه از معارف ارائه می‌دهد که محور آن «توحید» است. شبهات مطرح شده درباره تناقض آیات (در موضوعاتی چون صفات الهی، معاد، قصص انبیا و احکام) عمدتاً ناشی از غفلت از قواعد تفسیری، تفاوت در مراتب و جوانب یک موضوع، یا نادیده گرفتن قرائن سیاقی و متنی است. این مقاله با بررسی نمونه‌های ادعا شده و ارائه راه‌حل‌هایی مانند تفسیر قرآن به قرآن، تبیین شروط منطقی تناقض و تفکیک مقامات بیان، انسجام عمیق محتوایی قرآن را اثبات و ادعاهای تعارض را رد می‌کند.

واژگان کلیدی

انسجام قرآن، وحدت متن قرآن، ناسازگاری آیات، تناقض‌نمایی، تفسیر قرآن به قرآن، محکم و متشابه، پاسخ به شبهات قرآنی.

قرآن پژوهی

سال پنجم
شماره شانزدهم / تابستان ۱۴۰۴

۷۱



Copyright © 2024 The Author(s);

This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (CC-BY-NC: <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/legalcode.en>), which permits use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and is not used for commercial purposes.

مقدمه

قرآن کریم به عنوان معجزه جاویدان پیامبر اسلام ﷺ، کتاب هدایت بشر است. یکی از وجوه اعجاز آن، «انسجام محتوایی» یا همان هماهنگی و نبود تعارض میان آیات، سوره‌ها و معارف گوناگون آن در طول ۲۳ سال نزول تدریجی است. خود قرآن صراحتاً هرگونه اختلاف را از خود نفی کرده است: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء: ۸۲).

باین حال از صدر اسلام تا کنون، گاه شبهاتی درباره وجود ناسازگاری میان برخی آیات مطرح شده است. این شبهات هم از سوی مخالفان و خاورشناسان (مانند گلدزیهر) و هم در مباحث درونی تفسیری مطرح گردیده و به موضوعاتی مانند تنوع تعابیر در قصص، تفاوت در احکام، توصیفات بهشت و دوزخ و... مربوط می‌شود. این پرسش اساسی مطرح است که چگونه می‌توان وحدت و انسجام محتوایی قرآن را با وجود چنین آیات به ظاهر متفاوت یا متعارض اثبات کرد؟

ضرورت این پژوهش، نخست، پاسخ به شبهات موجود و دفاع از وحدت و اعجاز قرآن است. دوم، ارائه چهارچوبی روش‌مند برای فهم صحیح آیات و جمع‌بندی میان آنها که برای تفسیر علمی قرآن ضروری است. این مقاله با گردآوری و تحلیل مهم‌ترین شبهات و پاسخ‌های داده شده به آنها، درصدد است تا انسجام درونی قرآن را به مثابه یک نظام معنایی منسجم به تصویر کشد.

۱. یافته‌ها

بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که انسجام محتوایی قرآن از دو منظر اثباتی (وجود هماهنگی) و سلبی (نفی تعارض) قابل بررسی است:

۱-۱. مبانی و شواهد انسجام محتوایی

شواهد قرآنی: آیات صریحی مانند نساء: ۸۲ و هود: ۱، بر نبود اختلاف و استحکام آیات تأکید دارند. همچنین وصف قرآن به «مُتَشَابِهًا مَثَانًی» (زمر: ۲۳) بر پیوند و

اهداف نزول قرآن؛ از هدایت فردی تا تشکیل جامعه الهی (تحلیلی نظام‌مند از مقاصد میانی و نهایی)

هماهنگی درونی و تفسیرپذیری متقابل آیات دلالت دارد (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۲۳/ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۲۵۶).

شواهد روایی: روایات اهل بیت علیهم‌السلام بر این نکته تأکید دارند که «بعضه یفسر بعضاً»؛ یعنی بخشی از قرآن، بخش دیگر را تفسیر می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۹، ص ۲۲).

نظام منسجم معارفی: معارف قرآن حول محور «توحید» نظام یافته و سایر آموزه‌های اعتقادی، اخلاقی، احکام فردی و اجتماعی، در طول آن و با هم پیوندی ارگانیک دارند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۱۳۵-۱۳۷/ مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ص ۲۲-۲۵).

روش تفسیری قرآن به قرآن: این روش که از دل همین دیدگاه انسجام برمی‌آید، مؤید آن است که آیات در توضیح و تکمیل یکدیگرند (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۹۴-۳۹۵).

۱-۲. تحلیل و ردّ ادعاهای تعارض

بسیاری از موارد ادعای تناقض، با درنظر گرفتن اصول زیر قابل حل است:

۱. تفاوت در موضوع، شرط یا مقام: بسیاری از آیات به ظاهر متعارض، ناظر به موضوعات، زمان‌ها، مکان‌ها یا حالات متفاوتی هستند؛ مانند تفاوت در مراحل آفرینش انسان (آل عمران: ۵۹/ حجر: ۲۶) که ناظر به مراحل مختلف یک فرآیند است.

۲. تفسیر آیات به کمک یکدیگر: با قراردادن آیات در کنار هم و استفاده از آیات محکم برای فهم متشابه، تعارض ظاهری رفع می‌شود؛ مانند جمع‌بندی میان آیات توصیف‌کننده طول روز قیامت (حج: ۴۷/ معارج: ۴) با توجه به تفاوت مراحل و مواقف حساب (معرفت، ۱۴۲۳، ص ۲۵۷-۲۵۸).

۳. توجه به قرائن لفظی و عرفی: قواعدی مانند تخصیص عام به خاص، تقیید مطلق به مقید و حمل بر مجاز، بسیاری از تعارضات را مرتفع می‌سازد (سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۴۴-۵۰).

۴. تمایز نهادن میان ظاهر و باطن یا مراتب مختلف: مانند تفاوت میان دوستی قلبی با مشرکان (که حرام است) و رعایت احترام و نیکی ظاهری به والدین مشرک (که واجب است) (معرفت، ۱۴۲۳، ص ۲۵۵).

۵. بررسی انتقادی دیدگاه خاورشناسان: ادعاهای آنان مبنی بر ناهمگونی آیات مکی و مدنی، با توجه به وجود احکام در سوره‌های مکی (مانند انعام: ۱۴۱ و ۱۵۲) و استدلال‌های عقلی در آنها (مانند مؤمنون: ۹۱) و نیز تغییر طبیعی سبک بیانی متناسب با مخاطب و مرحله دعوت، ردّ می‌شود (معرفت، ۱۳۷۸، ص ۸۸-۸۵).

نمونه‌های بررسی شده شامل مواردی چون: تعداد باغ‌های بهشت (مفرد و جمع)، چگونگی دریافت نامه اعمال، غذای دوزخیان، هدایت نشدن بعضی افراد، نجات یا غرق فرعون و داستان فرشتگان و ابلیس است که همگی با اصول فوق پاسخ داده شده‌اند.

۲. مفهوم‌شناسی

«انسجام» در لغت برگرفته از ماده «س - ج - م» به معنای روان شدن و سرازیری آب و اشک بوده (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۵۹ / ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۲، ص ۲۸۰-۲۸۱) و به روانی و سازمندی در سخن نیز گفته شده است (تهانوی، ۱۹۹۶، ج ۱، ص ۲۸۱-۲۸۲ / دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۳۰۴۹).

مقصود از انسجام محتوایی قرآن، گونه‌ای از پیوستگی، هماهنگی و یکپارچگی آیات است که آن را همچون کلامی یکسان جلوه می‌دهد؛ در نتیجه مفاهیم و داده‌های آن در موضوع‌های گوناگون، به گونه‌ای استوار، همسو و هماهنگ و بدون ناسازواری و تعارض خواهند بود. با این توضیح می‌توان دریافت که انسجام، تنها به معنای وجود ارتباط (Connection) و اتصال قوی یا ضعیف و کامل یا سطحی نیست، بلکه بیانگر یکپارچگی و وحدتی (Unity) برخاسته از نگاهی تمرکز یافته است (Mir, 2006, p.405).

دانشمندان علوم قرآن، پژوهش‌های مربوط به انسجام قرآن را از دو بُعد ساختاری و محتوایی بررسی کرده‌اند؛ هرچند میان این دو رویکرد، تفکیکی صورت نگرفته است؛ از این رو ادبیات مستقل علمی درباره یکپارچگی و سازمندی انسجام محتوایی قرآن - جز آنچه در مقاله انسجام ساختاری آمده (مقاله انسجام ساختاری قرآن) - وجود ندارد.

هرچند از گذشته پندارهایی درباره تعارض و ناهمگونی میان پاره‌ای از آیات وجود داشته

اهداف نزول قرآن؛ از هدایت فردی تا تشکیل جامعه الهی (تحلیلی نظام‌مند از مقاصد میانی و نهایی)

است، اما قرآن کریم خود را کتابی محکم (هود: ۱) و دور از ناسازواری معرفی می‌کند (نساء: ۸۲). در این باره روایاتی نیز با نام «ضرب القرآن بعضه ببعض» در دست است (صدوق، ۱۳۶۱، ص ۱۹۰/مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۹، ص ۳۹)؛ گروهی از صاحب‌نظران هدف از این روایات را درهم آمیختن معنای آیات و به هم زدن مقاصد آن دانسته‌اند؛ به گونه‌ای که برای مثال محکم را متشابه و متشابه را محکم قرار می‌دهند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۸۳).

هرچند به باور گروهی از صاحب‌نظران در زمان حیات پیامبر ﷺ ادعایی درباره وجود تناقض میان نصوص قرآن مطرح نشده (شراره، ۱۴۱۶، ص ۵۰)، ولی روایات و شواهد تاریخی تردیدناپذیری گویای وجود این شبهه در همان نیمه نخست سده اول هجری است؛ چنان‌که در این باره روایاتی از امیر مؤمنان، علی ﷓ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۰، ص ۹۸-۱۴۲) و ابن عباس در راستای رفع توهم تعارض آیات وجود دارد (سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۷۲-۷۳)؛ از این رو پیشینه این بحث را می‌توان به زمان حیات رسول اکرم ﷺ بازگرداند؛ هنگامی که گروهی از صحابه درباره آیاتی از قرآن کشمکش کرده و پیامبر ﷺ آنان را از این کار باز می‌داشت.

با بررسی روایات فراوان می‌توان دریافت که شائبه وجود تناقض در قرآن، به گونه‌ای گسترده از سوی بدخواهان و مخالفان اسلام رواج یافته بود؛ از این رو اهل بیت ﷺ، همواره مسلمانان را از درافتادن به این کشمکش‌ها باز می‌داشتند (معرفت، ۱۴۲۳، ص ۲۴۵).

گفت‌وگو در این باره از همان سده‌های نخستین، به کانون‌های علمی مسلمانان راه یافت و بسیاری به بحث و بررسی و تألیف کتاب در پاسخ به این شبهه پرداختند. از جمله پیشگامان این راه قُطْرُب (م. ۲۰۶ ق) است که در ادبیات عرب دارای مهارتی کامل بوده و کتابی با نام الرد علی الملحدین فی متشابه القرآن در پاسخ به شبهه اختلاف در قرآن نگاشت (زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۵)؛ همچنین در گزارشی از امام حسن عسکری ﷓، آن حضرت به ادعای وجود تناقض در قرآن که در نیمه سده سوم از سوی یعقوب بن اسحاق کندی، مشهور به فیلسوف عراق مطرح شده بود، پاسخ گفتند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۵۲۵-۵۲۶/مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۳۹۲).

ابن راوندی (م. ۲۹۸ ق) از نخستین کسانی بود که انگاره ناسازگاری در متونی از قرآن را پیش کشیده و اندیشمندان مسلمان به وی پاسخ گفتند (قاضی عبدالجبار، ۱۹۶۵ م، ج ۱۶،

ص ۳۹۰؛ پس از راوندی زکریای رازی نیز دیدگاه او را پی گرفت (بدوی، ۱۹۹۳، ص ۲۱۶)؛ همچنین ابن قتیبه دینوری (ر.ک: ابن قتیبه دینوری، [بی تا]، ص ۴۶-۵۷)، سید رضی (ر.ک: سید رضی، [بی تا]، ج ۱، ص ۳۶۱/ قاضی عبدالجبار اسدآبادی، ۱۹۶۵، ج ۸، ص ۴۹۶/ همان، ج ۱۶، ص ۳۸۷-۴۰۶) نیز در آثار خود به تفسیر و تأویل آیات متناقض‌نمایی که موجب شبهه و اشکال می‌شد، پرداخته‌اند. در این میان زرکشی (زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۵-۶۷) و سیوطی (سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۷۲-۸۱) یکی از انواع علوم قرآن را به بحث آیات مشکل و متناقض‌نما اختصاص داده‌اند و مجلسی (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۰، ص ۱-۳۹۴) در بحثی گسترده با طرح شبهه‌های قرآنی و استناد به سخنان معصومان علیهم‌السلام به نقد و تحلیل آنها پرداخته است.

از میان قرآن‌پژوهان معاصر، شنقیطی، کتابی به نام دفع ایهام الاضطراب عن آیات الکتاب نگاشت و آیاتی را که گمان تعارض در آن وجود داشت، به ترتیب سوره‌ها ذکر کرده و وجه جمع میان آنها را بیان نمود. شراره نیز در پژوهش خود، به بحثی این‌گونه پرداخته است (ر.ک: شراره، ۱۴۱۶، ص ۴۵-۹۴). همچنین معرفت در شبهات و ردود حول القرآن الکریم (معرفت، ۱۴۲۳، ص ۲۴۳-۳۱۰) به طرح بحثی گسترده در نقد شبهه تعارض، از تعارض‌های ادعاشده میان آیات، پاسخ گفته است؛ وی افزون‌بر آن در التمهید فی علوم القرآن (معرفت، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۶۱-۴۶) نیز شرح و تفسیری از آیات متشابه را ارائه نموده که بخشی از آن در حوزه آیات متناقض‌نما جای می‌گیرد. پایان‌نامه‌های قرآنی چندی نیز در نقد شبهه تناقض در قرآن سامان یافته است.

افزون‌بر نگاشته‌های یادشده، مفسران بزرگی چون طبرسی، فخر رازی، ابن عاشور و طباطبائی در کتاب‌های تفسیر خود درصدد پاسخ به شائبه وجود تعارض در قرآن برآمده‌اند.

این بحث همچنین مورد توجه ویژه شرق‌شناسان نیز قرار گرفته است؛ بسیاری از آنان با انگیزه‌های مذهبی، ایجاد شبهه و انکار وحیانی بودن قرآن به آن پرداخته‌اند. آنان با اصرار زیاد کوشیدند تا آیات قرآن را نسبت به هم بی‌ارتباط و گسیخته جلوه دهند (Shepard, 2006, p. 569)؛ از این‌رو در استدلال خود به مسائلی چون تفاوت‌های آماری، صفات خداوند، قیامت، قصص انبیا و فرشتگان توجه کرده‌اند. البته اندیشمندان و پژوهشگران مسلمان به نقدهای آنان پاسخ داده‌اند.

اهداف نزول قرآن؛ از هدایت فردی تا تشکیل جامعه الهی (تحلیلی نظام‌مند از مقاصد میانی و نهایی)

۳. انسجام محتوایی قرآن

انسجام محتوایی قرآن از دو بُعد پیگیری شده است: ۱. بُعد اثباتی که نشان‌دهنده هماهنگی و همسویی میان آیه‌ها، سوره‌ها و معارف قرآن است؛ ۲. بُعد تنزیهی که پاس‌دارنده قرآن از هرگونه اختلاف و تناقض است.

۳-۱. هماهنگی آموزه‌های قرآن

به باور اندیشمندان مسلمان، آموزه‌های قرآن دارای ساختاری سامان‌مند و منسجم بوده و تمامی آنها به‌گونه‌ای، هماهنگ و همسو، یکدیگر را کامل می‌کنند؛ چنان‌که هر بخش تبیین‌گر بخش دیگر است؛ ابعاد این انسجام، به بیان و شیوه‌های گوناگونی ارائه شده است:

پیوستگی سرفصل‌های کلی: شماری از قرآن‌پژوهان افزون بر سامان‌دهی سرفصل‌های اصلی معارف قرآنی و طراحی پیوند میان آنها، پاره‌ای از فرازهای محوری قرآن را این‌گونه بیان کرده‌اند: ۱. توحید؛ ۲. بشارت به یکتاپرستان و هشدار به مخالفان؛ ۳. عبادت که زنده‌شدن و استواری توحید در دل‌ها را به همراه دارد؛ ۴. ارائه و چگونگی پیمودن راهی که به نعمت‌های دنیوی و اخروی می‌انجامد؛ ۵. داستان‌های مربوط به موافقان و مخالفان دین به قصد اندرز و شناساندن سنت‌های الهی درباره بشر (ر.ک: رشیدرضا، ۱۴۱۴، ص ۱، ص ۳۶).

از نگاه علامه طباطبائی تمامی معارف اصلی و زیرشاخه‌های قرآن، با گستردگی معرفتی شگفت‌انگیز آن، از اخلاق تا احکام، عبادات، معاملات، مسائل سیاسی و اجتماعی، وعد و وعید، قصه‌ها و اندرزها و...، با توحید، نبوت، معاد و آنچه به هدایت بندگان و سامان و بهبودی وضع دنیا و آخرت آنان نظر دارد، در پیوند است؛ در این میان توحید، اصلی محوری بوده و بقیه، شاخه‌های آن به‌شمار می‌روند. توحید در اعتقادات، به‌صورت اثبات اسماء و صفات نیکوی الهی نمود یافته و در اخلاق، انسان را به فضیلت‌های اخلاقی؛ مانند رضا، تسلیم، عفت و سخاوت آراسته و از رذایل اخلاقی دور می‌سازد؛ همچنین توحید در مقام عمل نیز به‌صورت انجام اعمال صالح و پرهیز از ارتکاب حرام جلوه‌گر می‌شود (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۱۳۵-۱۳۷).

گروهی از صاحب نظران، سامانه‌ای منسجم از معارف قرآنی ارائه کرده‌اند که محور اصلی آن «الله» است؛ چنان‌که ساختار معارف قرآنی به صورت زنجیره‌وار، در طول آن قرار گرفته و هر حلقه با دیگری دارای پیوندی روشن است: ۱. خداشناسی، ۲. کیهان‌شناسی، ۳. انسان‌شناسی، ۴. راه‌شناسی، ۵. راهنماشناسی، ۶. قرآن‌شناسی، ۷. اخلاق یا انسان‌سازی قرآن، ۸. برنامه‌های عبادی قرآن، ۹. احکام فردی قرآن، ۱۰. احکام اجتماعی قرآن (مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ص ۲۲-۲۵).

برخی دیگر با تقسیمی که محور آن انسان است، مجموعه‌ای یکپارچه و هماهنگ از گزاره‌های قرآن ارائه کرده‌اند؛ به باور آنان، قرآن افزون بر تفسیری که از انسان و جهان‌بینی‌های بایسته او ارائه کرده، در بردارنده مطالبی درباره پیوندهای چهارگانه همساز انسان با هم‌نوع خود، با خدا، با خویشان و با جهان است (جعفری، ۱۳۸۲، ص ۴۸). البته منظومه‌ها و الگوهای دیگری نیز درباره چگونگی فصل‌های قرآن و پیوستگی آنها ارائه شده است (مقاله‌های جامعیت قرآن؛ رسالت قرآن).

توجه به این نکته ضروری است که تقسیم‌بندی معارف قرآن، پیشینه‌ای بلند داشته و به صدر اسلام باز می‌گردد؛ برای نمونه چنان‌که در حدیثی از امیر مؤمنان، علی علیه السلام آمده، قرآن بر هفت گونه نازل شده است: امر، نهی، ترغیب، تهدید، جدل، مثال‌ها و داستان‌ها و هر بخش آن کفایت‌کننده و شفاف‌بخش است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۰، ص ۴-۹۷). به گفته برخی از مفسران، همه آیات قرآن در پی یک هدف هستند و آن، فراخواندن به سوی پروردگار و صراط مستقیم است؛ این هدف واحد با اقسام هفت‌گانه یادشده، پیگیری و محقق می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۷۵).

پیوستگی بیان‌ها درباره یک موضوع: به باور برخی از قرآن‌پژوهان، بیش از شش هزار آیه قرآن، همگی از چنان ساختار یکپارچه و هماهنگی برخوردارند که همچون گفتاری یگانه نمود یافته و هر بخش، بخش دیگر را تفسیر می‌کند؛ این پیوند به گونه‌ای است که چنانچه آیات با یکپارچگی و در کنار یکدیگر مطالعه شوند، بیانگر معنا و مفهومی روشن و جامع خواهند بود و برخی از آیات که در نگاه نخست مبهم به نظر می‌رسند، به وسیله آیات دیگر

اهداف نزول قرآن؛ از هدایت فردی تا تشکیل جامعه الهی (تحلیلی نظام‌مند از مقاصد میانی و نهایی)

تبیین شده و مجموع آیات در کنار هم، چشم‌اندازی کاملاً روشن را برای هدایت انسان ارائه می‌دهند (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۹۴-۳۹۵).

آیاتی از قرآن آموزه یادشده را مورد تأیید قرار می‌دهند؛ برای نمونه آیه ۳۲ سوره فرقان: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا» گویای این است که هرچند آیات قرآن به صورت تدریجی فرود می‌آمد، اما بین بخش‌های آن فاصله نیفتاد؛ از این رو پیوند میان آنها از بین نرفته و متن قرآن به اجزای پراکنده و ازهم‌گسسته تبدیل نشده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۲۰۹). عبارت «رتلناه ترتیلاً» در این آیه، برابر با معنایی که زبان‌شناسان از واژه «رتل» ارائه می‌دهند (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۱۱۳/ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۱، ص ۲۶۵)، تأییدکننده این تفسیر است.

رہیافت «وحدت موضوعی قرآن»، دو روش مهم تفسیری را به وجود آورده است: تفسیر قرآن به قرآن و تفسیر موضوعی (سبحانی، ۱۴۰۱، ج ۱، صص ۱۷، ۱۹ و ۲۳). با آنکه تفسیر موضوعی از پیشینه‌های چندانی برخوردار نیست، اما آثار ارزشمندی در این باره نگاشته شده است (ر.ک: خالدي، ۱۴۱۸، ص ۲۹-۳۹).

بر اساس این دیدگاه، بیان‌های پراکنده قرآنی، ناظر به یکدیگر بوده و مطالب جدیدی را ارائه می‌کنند؛ برای نمونه در سوره حمد، خداوند با ویژگی «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» (حمد: ۴) توصیف شده و در آیات ۱۷ تا ۱۹ سوره انفطار «يَوْمِ الدِّينِ» به روزی که کسی درباره دیگری اختیاری نداشته و همه امور در آن روز، از آن خداست تفسیر شده است؛ همچنین آیه «الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» (حمد: ۷) با آیه ۶۹ سوره نساء توضیح داده شده است که آنان، همان پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان‌اند (سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۵۱) یا آیه ۱۷۳ سوره شعرا درباره قوم لوط می‌گوید که «بر سر آنان باران عذاب فرو ریختیم»، اما در آیه ۷۴ سوره حجر آمده است که «بارانی از سنگ گِل بر آنان بارانیدیم» که بدین ترتیب، آیه دوم، مصداق آیه پیشین را روشن می‌سازد (سبحانی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۱۹).

۱-۳. مبانی کلامی و شواهد انسجام محتوایی

برای اثبات یکپارچگی و هماهنگی محتوایی میان آیات، به شواهد قرآنی و روایی استناد شده است.

۲-۱-۳. شواهد قرآنی و روایی

افزون بر آیه ۸۲ سوره نساء که وجود هرگونه اختلاف و تناقض در قرآن را نفی می‌کند: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا»؛ آیه نخست سوره هود نیز آن را کتابی با آیات استوار و یکپارچه و فرستاده شده از سوی خداوند حکیم و آگاه معرفی می‌کند؛ آیه ۲۳ سوره زمر نیز کلام خداوند را بهترین گفتار با آیاتی «متشابه» و «مثنائی» وصف کرده است: «اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانًى تَقَرُّعُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ...». مفسران «متشابه» را به معنای تصدیق یکدیگر، نبود ناسازگاری و تناقض و نیز همگونی در حسن نظم، زیبایی وازگان و رسایی معانی تفسیر کرده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۲۳/ طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۳۹۴/ سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۳۰۴۸). به باور آنان، صفت «مثنائی» بدین معناست که رابطه بین آیات قرآن از گونه پیوند و نظارت متقابل بوده و یکدیگر را روشن می‌کنند؛ بدون آنکه برخی، پاره‌ای دیگر را نادیده انگارد (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۲۵۶/ جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱، صص ۷۱، ۱۴۰ و ۳۹۴). برابر آیه ۲۸ سوره زمر و آیه نخست سوره کهف نیز قرآن، به دور از هرگونه کژ و انحراف - که از مصادیق آن، تضاد و تناقض می‌باشد - دانسته شده است.

در روایات اهل بیت علیهم‌السلام شواهدی بر وحدت موضوعی در قرآن یافت می‌شود؛ ازجمله به تعبیر امیر مؤمنان، علی علیه‌السلام بخشی از قرآن، بخش دیگر را تفسیر نموده، پاره‌ای بر پاره‌ای دیگر گواهی می‌دهد و همه آیه‌های آن، خالق هستی را یکسان می‌شناساند (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳/ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۹، ص ۲۲)؛ چنان‌که از منظر امام صادق علیه‌السلام نیز قرآن به گونه‌ای است که امکان دارد آغاز آیه‌ای درباره چیزی، میانه‌اش درباره چیزی و پایان آن درباره چیز دیگری نازل شده باشد؛ حال آنکه کلامی به هم پیوسته است که به گونه‌های متعدد باز می‌گردد (عیاشی، [بی تا]، ج ۱، ص ۱۱-۱۲/ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۹، ص ۹۵).

۳-۱-۳. منزّه بودن خداوند متعال از نسیان و جهل

به گفته برخی از اندیشمندان، منشأ اختلاف و ناهماهنگی در سخن و نوشتار، جهل، نسیان یا هردوی آنهاست. کسی که سخنی برخلاف گذشته می‌گوید، می‌توان آن را ناشی از

اهداف نزول قرآن؛ از هدایت فردی تا تشکیل جامعه الهی (تحلیلی نظام‌مند از مقاصد میانی و نهایی)

چهل وی از موضوع در گذشته دانسته یا به خاطر فراموشی موضوع گذشته برشمرد، اما خداوند، به همه چیز آگاه بوده و هیچ چیز در زمین و آسمان از او پنهان نیست؛ او بر هر چیز دانا و گواه است و در حریم او فراموشی راهی ندارد و علم او عین حضور و شهود است؛ همچنان که برخی از آیات قرآن نیز گویای این مطلب است (ر.ک: نساء: ۱۷۶/مریم: ۶۴/حج: ۱۷/سبأ: ۳/جواد آملی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۴۰-۱۴۲).

۴-۱-۳. همسانی کتاب تشریع و کتاب تکوین

برابر آیه ۳ سوره ملک، در آفرینش خداوند، هیچ گونه ناهماهنگی یافت نشده و انسجام و هماهنگی بی‌مانندی سراسر جهان عالم را فرا گرفته است، قرآن نیز بی‌هرگونه اختلاف و تضاد درونی، کلام یکپارچه الهی است که آیات گذشته و آینده‌اش با همپوشانی، مضامین یکدیگر را تأیید نموده و هریک زمینه را برای دیگری فراهم می‌سازند؛ بدین ترتیب، همه اصول قرآنی به یکدیگر وابسته است؛ زیرا هردو حقیقت؛ یعنی جهان و قرآن، آفریده خدای سبحان است (جواد آملی، ۱۳۷۸، ج ۱، صص ۱۴۳، ۳۹۴-۳۹۵).

۲-۳. نبود هرگونه ناسازگاری در قرآن

قرآن در آیه ۸۲ سوره نساء با استناد به اینکه ازسوی پروردگار فرستاده شده، خود را کتابی معرفی می‌کند که هیچ تعارض و اختلافی در آن راه ندارد.

به گفته مفسران، در این آیه، مخالفان به دقت و تدبیر در آیات قرآن فراخوانده شده و از آنان خواسته می‌شود که همه مضامین آن (احکام، حکمت‌ها، اندرزها، داستان‌ها و...) را - چه آیات مکی و چه مدنی، چه محکم و چه متشابه - کنار هم قرار دهند تا برای آنان کاملاً روشن شود که هیچ اختلافی میان آنها نیست و آیات جدید، آیات قدیم را تصدیق کرده و هریک شاهدی بر دیگری است؛ بدین ترتیب با توجه به نبودن هرگونه ناسازگاری، آنان درخواست یافت که قرآن ازسوی خداوند نازل شده است؛ نه شخص دیگری (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۱۱۴/طوسی، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۲۷۱/طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۲۵-۱۲۶/مراغی، [بی‌تا]، ج ۵، ص ۱۰۲-۱۰۳/طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۲۱-۱۹)؛ زیرا کتابی با این ویژگی‌ها که در مدت بیست سال به گونه

تدریجی و در زمان‌ها و مناسبت‌های متفاوت تدوین گردیده، اگر نوشته بشر بود، اختلاف و تضادهایی در آن راه می‌یافت؛ زیرا تمامی موجودات از جمله انسان‌ها در حال تکامل‌اند و هیچ موجودی در دو زمان پیاپی بر یک حالت نیست؛ از این‌رو انسان‌ها دستخوش فراموشی و دگرگونی رأی هستند.

احکام تشریعی منسوخ، دلیلی بر وجود تناقض در قرآن نیستند؛ زیرا نسخ، ضرورت دستگاه قانون‌گذاری در هر اجتماعی است. جامعه برای عمل کردن به برخی دستورهای باید از گنجایش لازم برخوردار باشد؛ این ظرفیت یا از راه ابقای قوانین گذشته تا زمان جایگزینی احکام جدید صورت می‌گیرد یا از طریق اعلام برخی قوانین و نسخ آنها در دوره بعد. خداوند با آگاهی از زمان‌دار بودن یک حکم، آن را بر پیامبر اکرم ﷺ فرو می‌فرستاد و آن‌گاه که جامعه آماده پذیرش حکم جدید بود، پایان زمان حکم نخست را اعلام و آن را نسخ نموده و حکم جدید را جایگزین می‌کرد.

مفسران در تبیین مقصود قرآن کریم از وجود نداشتن اختلاف در آن، دیدگاه‌های گوناگونی ارائه کرده‌اند: گروهی آن را به معنای نبود باطل در قرآن و گروهی، به تفاوت نداشتن در درجات بلاغت و برخی به نبود اختلاف در خبرهای غیبی آن یا نبود تناقض و مانند آن تفسیر کرده‌اند (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۲۵-۱۲۶ / ابن جوزی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۶۰ / فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۱۵۱-۱۵۲)؛ همچنین گروهی دیگر از قرآن‌پژوهان، واژه «اختلاف» را به معنایی عام به کار برده و وجود هرگونه ناسازگاری میان آیات و سوره‌ها را از ساحت قرآن نفی کرده‌اند؛ چه اختلاف در فصاحت و بلاغت - که در بخشی رعایت شده و در پاره‌ای رعایت نشده باشد - و چه اختلاف در محتوا و معارف قرآن و چه اختلاف در اخبار غیبی یا برهان‌ها و استدلال‌ها یا موضع‌گیری‌های آن (زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۶-۴۷ / طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۲۰ / جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۴۳).

۱-۲-۳. عوامل پنداره ناسازگاری آیات

پژوهشگران بر این باورند که وجود چند عامل به بروز اختلاف ظاهری بین آیات می‌انجامد؛ این عوامل که گاه به خود متن باز می‌گردد (زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۵۶-۶۵)

اهداف نزول قرآن؛ از هدایت فردی تا تشکیل جامعه الهی (تحلیلی نظام‌مند از مقاصد میانی و نهایی)

سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۷۲-۷۳ / معرفت، ۱۴۲۳، ص ۲۴۹-۲۵۱)، مواردی چون تفاوت موضوع یا حالت‌های آن را دربرمی‌گیرد؛ نمونه آن، تعبیرهای گوناگونی است که قرآن درباره آفرینش آدم آورده و او را آفریده شده از خاک (آل عمران: ۵۹)، گِل سیاه (حجر: ۲۶)، گِل چسبنده (صافات: ۱۱) و گِل خشکیده؛ مانند سفال (الرحمن: ۱۴) دانسته است. گوناگونی تعبیرهای یادشده از آن روست که هریک از آنها ناظر به مرحله‌ای از فرایند آفرینش انسان است و خاک، برای تبدیل به یک پیکره، همه فرایند یادشده را سپری می‌کند (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲۷، ص ۴۸).

تفاوت درجهت دو کار، یا حقیقت و مجازبودن آنها از دیگر عواملی است که ممکن است دو گزاره را ناسازگار و متناقض نشان دهد؛ مانند قتل و پرتاب سنگ‌ریزه که خداوند آن را ازاین جهت که به وسیله مسلمانان و پیامبر ﷺ انجام شده، به آنان نسبت می‌دهد و از آن جهت که تأثیر عمل، به اذن و اراده الهی بستگی دارد، از آنان نفی می‌کند: «فَلَا تَقْتُلُوا هُمُورًا وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتُمْ إِذْ رَمَيْتُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى» (انفال: ۱۷).

گاه اختلاف، به دلیل اعتبارها و جهت‌های گوناگونی است که گوینده لحاظ می‌کند؛ مانند آیه ۲۸ سوره رعد که یاد خدا را موجب «آرامش» دل‌های مؤمنان می‌داند و آیه ۲ سوره انفال که مؤمنان را کسانی می‌داند که چون نام خدا برده شود، دل‌هایشان «بیمناک» خواهد شد. ممکن است گمان شود که این دو آیه با یکدیگر ناسازگارند، درحالی‌که آرامش، پیامد انبساط خاطر است که خود از شناخت توحید ناشی می‌شود و بیمناکی بر اثر عظمت الهی یا خوف از عقوبت به وجود می‌آید؛ ازاین‌رو تعارضی میان آیات نیست؛ چنان‌که قرآن در آیه ۲۳ سوره زمر، میان آن دو پیوند برقرار کرده و می‌فرماید آنان که از پروردگارشان می‌هراسند، پوست بدنشان به لرزه می‌افتد، آنگاه پوستشان و دلشان به یاد خدا آرام می‌گیرد (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۴۲۷ / فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۹، ص ۳۹).

گاه عوامل بیرونی سبب متناقض‌نمایی آیات است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: لحاظ کردن آیات متشابه بدون رعایت قانون تأویل و پیروی از روش نادرست در فهم نصوص قرآن و تفسیر آن (شراره، ۱۴۱۶، ص ۵۵).

۳-۲-۲. شیوه‌های زدودن اختلاف

قرآن‌پژوهان برای رفع اختلاف‌های بدوی آیات، از دو شیوه بیرونی و درونی بهره جسته‌اند. اختلاف‌های بیرونی در گفتار «تأویل و قواعد فهم قرآن» (مقاله‌های تأویل؛ قواعد تفسیر قرآن؛ منطق فهم قرآن) و اختلاف‌های درونی در مقاله حاضر بررسی می‌شود. پژوهشگران قرآنی برای زدودن شبهه‌های مربوط به انسجام آیات از چند روش بهره گرفته‌اند.

۳-۲-۳. درنظر داشتن شروط ناسازواری

رفع تناقض پنداشته‌شده در پاره‌ای از آیات، به نبود شرط‌های لازم در تحقق تناقض؛ مانند وحدت موضوع، محمول، مکان و زمان بستگی دارد (علامه حلی، ۱۳۷۱، ص ۷۲-۷۴/ مظفر، [بی‌تا]، ص ۱۹۵-۲۰۰)؛ برای مثال قرآن زمانی که از ملاقات حضرت موسی علیه السلام در کوه طور و آغاز رسالت او سخن می‌گوید، از مار با واژه «جان» یا «حیه» تعبیر می‌کند (طه: ۲۰/ نمل: ۱۰)، ولی در جای دیگر آن را «ثعبان» یعنی مار بسیار بزرگ می‌نامد (ر.ک: اعراف: ۱۰۷/ شعراء: ۳۲)؛ این دو گونه تعبیر اختلافی ندارند؛ زیرا کاربرد تعبیر جان در شب طور و ثعبان در رویداد ملاقات با فرعون بوده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۸، ص ۲۱۳). این اختلاف در مکان و زمان، نشان می‌دهد که تناقضی میان این آیات نیست و تبدیل عصا به گونه‌های مختلفی بوده است.

۳-۲-۴. سنجش تشابهات به محک‌ات

خداوند آیات قرآن را به دو گروه محکم و متشابه تقسیم نموده و محک‌ات را «ام‌الکتاب» خوانده است (آل عمران: ۷) که تبیین‌گر و مفسر آیات متشابه هستند؛ بنابراین آیات متشابه بر اساس محک‌ات تفسیر می‌شوند و بدین ترتیب، بخشی از تعارض ظاهری آیات نیز از میان می‌رود؛ برای نمونه آیه ۲۳ سوره قیامت که حاکی است در روز رستاخیز برخی به‌سوی پروردگار خود می‌نگرند: «إِلَىٰ رَبِّهَٰنَا ظُفْرٌ»، آیه‌ای متشابه است؛ زیرا منظور از نگرستن مردم به پروردگار روشن نیست، ولی هنگامی که این آیه به آیه ۱۱ سوره شوری که می‌فرماید: «چیزی مانند او نیست» و نیز آیه ۱۰۳ سوره انعام که می‌گوید: «چشم‌ها او را در نمی‌یابند»، سنجیده شود، می‌توان دریافت که مراد از نگرستن و دیدن خدا از سنخ دیدن پدیده‌های محسوس و با

اهداف نزول قرآن؛ از هدایت فردی تا تشکیل جامعه الهی (تحلیلی نظام‌مند از مقاصد میانی و نهایی)

چشم سر نیست، بلکه این رؤیت، گونه‌ای توجه ویژه قلبی و غیرحسی است؛ آیات متشابه دیگر نیز همین‌گونه‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۴۳-۴۴).

۳-۲-۵. تفسیر آیات به‌کمک یکدیگر

به باور اندیشمندان علوم قرآنی، از آنجا که آیات، همپوشانی داشته، تصدیق‌کننده و تفسیرگر یکدیگرند، به‌جای قراردادن آیات در برابر هم، باید آنها را در کنار یکدیگر و به‌کمک هم تفسیر نمود و این، همان روش تفسیر قرآن به قرآن است (معرفت، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۴۷۱-۴۷۲ / خالدی، ۱۴۱۸، ص ۱۴۷-۱۶۷)؛ برای مثال در آیات ۱۷۰ و ۱۷۱ سوره شعرا آمده است که ما لوط و خانواده‌اش را رهایی بخشیدیم؛ جز زنی سالخورده که عقب ماند. همچنین در آیه ۸۳ سوره اعراف آمده است که ما، او و خانواده‌اش را - جز همسرش - رهایی بخشیدیم. از نگاه برخی، میان این دو آیه ناسازگاری وجود دارد؛ زیرا در آیه‌ای به یک پیرزن و در آیه دیگر به همسر لوط اشاره شده است (Contradictions, 72)، اما اشکال مزبور پذیرفتنی نیست؛ زیرا با سنجش این دو آیه با هم، می‌توان دریافت که پیرزن یادشده همان همسر لوط بوده است؛ افزون‌براین استثنای واژه عجوز از اهل لوط نشان می‌دهد که وی، فردی از خانواده او بوده است.

۳-۲-۶. نسخ

به باور جمعی از صاحب‌نظران، نسخ یکی از راه‌های حل مسئله تعارض است؛ زیرا اگر تاریخ فرستادن آیات روشن شود، آیه‌ای که نخست نازل شده با آیه پس از آن نسخ خواهد شد و در صورتی که تاریخ نزول معلوم نباشد آیه‌ای که درباره عمل به آن اتفاق نظر وجود دارد، ناسخ است (زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۸)، ولی بسیاری از قرآن‌پژوهان بر این باورند که نمی‌توان تنها با وجود تنافی میان آیات به وجود نسخ معتقد بود. آنان یا اصل نسخ را نپذیرفته‌اند یا آیات منسوخ را بسیار اندک می‌دانند؛ زیرا برابر تصریح قرآن، هیچ اختلافی در آن وجود ندارد و تنها بی‌دقتی برخی از صاحب‌نظران، موجب بروز توهم اختلاف میان آیات شده است؛ بنابراین آنان برای رفع اشکال به نسخ قائل شده‌اند (خویی، ۱۳۹۵، ص ۲۸۷ / مقاله نسخ).

۷-۲-۳. بهره‌مندی از قواعد لفظی

برای فهم سخن هر گوینده و سنجش بخش‌های گوناگون آن با یکدیگر، قواعدی عرفی وجود دارد که در فهم سخن خداوند نیز می‌توان از آنها بهره‌جسته و برخی آیات را قرینه بر فهم برخی دیگر قرار داد؛ برای مثال «خاص»، قرینه بر «عام» و «مقید»، قرینه بر «مطلق» است (سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۲، صص ۴۴، ۴۷، ۴۹، ۵۰، ۷۷ و ۷۸).

۳-۳. بررسی نمونه‌هایی از آیات متناقض‌نما

در مقاله «Contradictions in the Qur'an» با عنوان «تناقض‌های درونی قرآن» نزدیک به ۱۲۰ نمونه گزارش نموده شده است که به باور نویسنده با یکدیگر یا قواعد منطق، ناسازگارند (see: Contradictions)؛ موارد ادعا شده به موضوع‌هایی چون اختلافات آماری، صفات خداوند، رستاخیز، قصه‌های انبیا و فرشتگان مربوط است؛ هرچند بسیاری از آنها در کتاب‌های تفسیری مطرح بوده و تبیین‌های روشنی درباره آنها انجام گرفته است.

۱-۳-۳. زمان روز رستاخیز

بر اساس آیات ۴۷ سوره حج و آیه ۵ سوره سجده «يَذْبُرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ» روز رستاخیز با هزار سال برابری می‌کند و در آیه ۴ سوره معارج، این روز، معادل پنجاه هزار سال ذکر شده است: «تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ»؛ هرچند گروهی از صاحب‌نظران این آیات را با یکدیگر ناسازگار دانسته‌اند (شنقیطی، ۱۴۲۰، ص ۵۹ / معرفت، ۱۴۲۳، ص ۲۵۷-۲۵۸ / Contradictions, No. 23).

حال آنکه دلالت این آیات در گذشته نیز مورد توجه معصومان علیهم‌السلام، اندیشمندان و مفسران بوده است؛ چنان‌که برابر حدیثی از امام صادق علیه‌السلام قیامت پنجاه توقفگاه دارد و توقف بندگان در هریک از آنها هزار سال به درازا می‌کشد (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۱۴۳)؛ براین اساس میان آیات یادشده ناسازگاری نیست؛ زیرا اعمال بندگان و همه امور زندگی دنیوی آنان، شامل تدابیر الهی، امر و نهی‌ها، تشریع‌ها و کردار نیک و بد انسان‌ها - به‌عنوان بخشی از امور - در نخستین توقف‌گاه قیامت که زمان درنگ در آن هزار سال است، حسابرسی می‌شود. ازسوی دیگر،

اهداف نزول قرآن؛ از هدایت فردی تا تشکیل جامعه الهی (تحلیلی نظام‌مند از مقاصد میانی و نهایی)

وضعیت همه امور هستی در طی دوره قیامت که به دلیل مواقف پنجاه‌گانه، ۵۰ هزار سال است، روشن می‌گردد؛ چنان‌که در روایتی، از ابن عباس این دو موقف، دو روز از روزهای خداوند دانسته شده‌اند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۱، ص ۴۶ / سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۷۶)؛ یعنی دو دوره زمانی است که دوره نخست آن، هزار سال و دوره کامل آن پنجاه هزار سال است (معرفت، ۱۴۲۳، ص ۲۵۷-۲۵۸). صدر نیز بر این باور است که آیات هزار سال، مقید به سال‌های قیامت شده، اما پنجاه هزار سال با توجه به روزهای دنیوی است (صدر، ۱۴۲۱، ص ۱۱۸-۱۲۰).

گروهی از قرآن‌پژوهان بر این باورند که روز رستاخیز برای همه انسان‌ها یکسان نیست و از رسول خدا ﷺ روایت شده که آن روز برای مؤمن آسان‌تر از خواندن یک نماز واجب در دنیا است (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۱۲۰)؛ بنابراین طولانی شدن مدت زمان درنگ در عرصه قیامت، ویژه کافران و ظالمان است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۳، ص ۲۳۴)؛ گروهی نیز احتمال داده‌اند عدد پنجاه هزار سال برای بیان کثرت و کنایه از طولانی بودن آن روز است؛ نه شمار آن (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۳۶۹۶)؛ همچنین گروهی بر این باورند که در منظومه شمسی، نظام زمانی ویژه‌ای حاکم است و با خروج از آن و ورود در دیگر کهکشان‌ها با تقویم تازه‌ای روبه‌رو خواهیم شد که زمان در آن به گونه دیگری رقم خورده است؛ از این رو تقویم زمانی در طبقات گوناگون آسمان، متفاوت بوده و قرآن برابر این تفاوت‌ها، دو زمان را بیان کرده است (شراره، ۱۴۱۶، ص ۹۲-۹۳ / مقاله قیامت).

۲-۳-۳. گروه‌های مردم در رستاخیز

چنان‌که در آیه هفتم سوره واقعه آمده است، انسان‌ها در روز واپسین به سه دسته گوناگون تقسیم خواهند شد، اما در پاره‌ای از آیات، تنها دو گروه ذکر شده‌اند (بلد: ۱۸ و ۱۹ / زلزله: ۸۶)؛ این امر موجب شده است تا گروهی گمان کنند که میان این آیات ناسازگاری وجود دارد (Contradictions, No. 23).

در پاسخ به این شبهه، به باور برخی از صاحب‌نظران تقسیمات دوگانه، در نگاهی کلی، گروه‌های خوب و بد و مؤمن و کافر را مورد توجه قرار داده است؛ هرچند هریک از این گروه‌ها در درون خود دارای مراتبی هستند؛ مانند آنکه برخی خوبان، در انجام عمل خیر بر دیگران

پیشی می‌گیرند که همان دسته سوم در سوره واقعه هستند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۲۴۵)؛ پاسخ دیگر آنکه این تقسیمات در جایگاه بیان حصر نیستند؛ از این رو با وجود گروه‌های دیگر تعارضی ندارند؛ مانند آنچه در سوره انشقاق (انشقاق: ۷ و ۸ و ۱۰ و ۱۱) آمده که هدف آن، یاد کرد نمونه‌ای برای اهل ایمان و طاعت و اهل کفر و تکذیب است تا بفهماند سعادت، همواره همراه با تقوا و شقاوت با نافرمانی و سرکشی همراه است، اما درباره گروه‌های دیگر سکوت کرده است؛ نمونه‌هایی از آنچه بیان شد در پاره‌ای از آیات سوره مرسلات (مرسلات: ۱۶ و ۱۹ و ۴۱ و ۴۵) نیز وجود دارد که ویژگی پرهیزکاران و تکذیب‌کنندگان را بیان می‌کند، اما منظور از آن بیان معنای انحصار نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۲۴۵/ مقاله بهشتیان و دوزخیان).

۳-۳-۳. باغ‌های بهشت

قرآن از بهشت، گاه با واژه مفرد (جَنَّة) (زمر: ۷۳/ فصلت: ۳۰/ حدید: ۲۱/ نازعات: ۴۱) و گاه با واژه جمع (جنات) (کهف: ۳۱/ حج: ۲۳/ فاطر: ۳۳/ نبأ: ۱۶) یاد کرده است. در توجیه این امر، این‌گونه بیان شده که جنت باغی با درختان فراوان است که زمین را پوشانده؛ بهشت نیز به دلیل شباهت آن به باغ دنیوی یا پوشیده و پنهان بودن نعمت‌هایش برای ما، جنت نامیده شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۹۸). در آیات فراوانی که جنت به صورت مفرد به کار رفته (ر.ک: بقره: ۳۵ و ۸۲ و ۱۱۱/ آل عمران: ۱۳۳ و ۱۴۲ و ۱۸۵/ نساء: ۱۲۴/ مائده: ۷۲/ غاشیه: ۱۰)، منظور از آن، مطلق بهشت است، اما از آنجاکه بهشت دارای باغ‌های بسیاری است که از آنها نیز به جنت تعبیر شده و در برخی آیات به صورت جمع و با واژه «جنات» به آنها اشاره شده است (الرحمن: ۴۶ و ۵۴ و ۶۲)؛ بنابراین تعارضی میان این آیات نیست؛ همچنین از نگاه ابن عباس بهشت به این دلیل به صورت جمع (جنات) آمده است که هفت بهشت وجود دارد: فردوس، عدن، جنة النعیم و... (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۹۸/ مقاله‌های بهشت؛ بهشتیان و دوزخیان).

۳-۳-۴. گفت‌وگوی بهشتیان

در آیه ۱۰۱ سوره مؤمنون آمده است که پس از دمیده شدن در صور، انسان‌ها از یکدیگر چیزی نمی‌پرسند؛ حال آنکه در آیات ۲۵ سوره طور و ۲۷ سوره صافات به پرسش بهشتیان از

اهداف نزول قرآن؛ از هدایت فردی تا تشکیل جامعه الهی (تحلیلی نظام‌مند از مقاصد میانی و نهایی)

یکدیگر اشاره شده است (ابن حزم اندلسی، ۱۹۸۳، ج ۳، ص ۵۰/ شنیطی، ۱۴۲۰، ص ۶۲/ Contradictions, No.47).

گروهی از قرآن‌پژوهان در پاسخ به این شبهه معتقدند برابر گزارش قرآن، رویداد رستاخیز، آنچنان شدید و کوبنده است که در نخستین مرحله، حالت مدهوشی همگان را فرا می‌گیرد و هرکس در اندیشه سرنوشت خود بوده و یارای پرس‌وجو از دیگران را ندارد، اما پس از آنکه زمین خبرهای خود را فاش کرد و زلزله فروکش کرد و مردم به وضع عادی بازگشتند و برای محاسبه آماده شدند، انسان‌ها برای آگاه‌شدن از وضعیت یکدیگر، به پرس‌وجو می‌پردازند؛ بنابراین آیات یادشده با یکدیگر تنافی نداشته و هریک به مرحله‌ای خاص اشاره می‌کند (ابن‌قتیبه دینوری، [بی‌تا]، ص ۴۷/ معرفت، ۱۴۲۳، ص ۲۶۰-۲۶۱/ مقاله‌های بهشتیان و دوزخیان؛ حساب؛ قیامت).

۳-۳-۵. چگونگی دریافت پرونده اعمال

موضوع دیگر در زمینه تناقض آیات، به چگونگی دریافت نامه اعمال مربوط است: برابر آیه ۱۰ سوره انشقاق، برخی پرونده عمل خود را در رستاخیز از پشت سر دریافت خواهند کرد، ولی در آیه ۲۵ سوره حاقه آمده است که نامه اعمال به‌دست چپ آنها داده می‌شود (قاضی عبدالجبار، ۱۴۲۶، ص ۴۵۵-۴۵۶/ شنیطی، ۱۴۲۰، ص ۸۴).

در پاسخ به این شبهه، مفسران، توجیه‌هایی را ارائه کرده‌اند؛ نخست آنکه نامه اعمال آنان به‌دست چپ داده می‌شود، اما از پشت سر؛ یا آنکه دست چپ در پشت سر افراد قرار می‌گیرد. دیگر آنکه مواقف قیامت و انسان‌ها متفاوت هستند؛ بنابراین ممکن است باتوجه به مکان‌های مختلف، چگونگی دریافت نامه اعمال تغییر کند (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۳۰۵-۳۰۶/ شنیطی، ۱۴۲۰، ص ۸۴/ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۲۴۳-۲۴۴/ مقاله‌های میزان؛ نامه اعمال).

۳-۳-۶. غذای دوزخیان

در قرآن کریم از غذای جهنمیان، گاه به «ضریع» (خار خشک) (غاشیه، ۶) یا «غسلین» (چرکابه) (حاقه: ۳۶) یا «زقّوم» (درختی با میوه‌ای تلخ) یاد شده است (دخان: ۴۳ و ۴۴). این آیات باهم سه ناهمگونی را تشکیل می‌دهند (Contradictions, No.6).

پاسخ این شبهه نیز بسیار روشن است؛ زیرا بهشت و جهنم دارای درجاتی است و پاداش و مجازات هر انسانی به اندازه نیکی‌ها و گناهان اوست؛ ازاین‌رو غذای گروهی از دوزخیان زقوم، غذای گروهی دیگر چرکابه و آشامیدنی برخی از آنان «آب جوش» و گروهی دیگر «صدید» (آبی چرکین) است (ابن‌قتیبه دینوری، [بی‌تا]، ص ۴۸/ معرفت، ۱۴۲۳، ص ۲۹۱/ مقاله دوزخ).

۷-۳-۳. جایگاه خداوند

برابر آیه شانزده سوره ق، خداوند از رگ گردن به انسان نزدیک‌تر است، ولی چنان‌که در آیه پنج سوره سجده آمده، خداوند بر عرش استوار است و برابر آیه چهار سوره معارج، خداوند آن‌قدر دور است که پنجاه‌هزار سال طول می‌کشد تا فرشتگان مقرب بتوانند به‌سوی او عروج کنند: «تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ» (Contradictions, No.41).

در پاسخ به این شبهه گفته شده است که برابر آموزه‌های اسلامی، خداوند مجرد از ماده بوده و محدود به مکان نیست و تعبیر «استوا بر عرش»، تعبیری کنایی از چیرگی بر تدبیر امور آفرینش است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۱۵۱/ معرفت، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۱۲۶-۱۸۸)، اما فاصله پنجاه‌هزار سال به عالم ماورای ماده و روز قیامت مربوط بوده و عروج فرشتگان در آن روز، نه عروج جسمانی، بلکه روحانی است که به مقام قرب الهی می‌شتابند (معرفت، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۱۲۹/ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۵، ص ۱۶-۱۷)؛ بنابراین مقصود از پنجاه‌هزار سال این است که چنانچه رستخیز در دنیا رخ دهد و با زمان جاری دنیا سنجیده شود، پنجاه‌هزار سال به درازا خواهد کشید (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۷/ مقاله علم الهی).

۸-۳-۳. فرشته‌بودن شیطان

از دیگر تناقض‌های ادعاشده، به آیات ۴۹ و ۵۰ سوره نحل مربوط است که از فرمان‌پذیری همه فرشتگان و دوری آنان از کبرورزی خبر می‌دهد، اما به رغم این در آیه ۳۴ سوره بقره، ابلیس - به‌خاطر نافرمانی و تکبر - از دیگر فرشتگان استثنا شده است (Contradictions, No.64).

اهداف نزول قرآن؛ از هدایت فردی تا تشکیل جامعه الهی (تحلیلی نظام‌مند از مقاصد میانی و نهایی)

در پاسخ به این شبهه، مفسران بر این باورند که قرآن در آیه پنجاهم سوره کهف، به صراحت، ابلیس را در شمار جنیان معرفی می‌کند؛ بنابراین او فرشته نبود تا میان نافرمانی او و آیاتی که فرشتگان را مطیع خدا می‌داند ناسازگاری باشد (عیاشی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۳۲۸/طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۳۵۵/مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۴۶۲/نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج ۱۰، ص ۳۲۹)، اما استثنایی را که در سوره بقره وجود دارد می‌توان استثنای متصل دانست؛ بنابراین ابلیس به سبب هم‌نشینی با فرشتگان، یکی از آنان به شمار آمده و از باب غلبه، فرشته نام گرفته است یا آنکه چون از جنیان به شمار می‌رفت، استثنای مزبور، منقطع خواهد بود (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۲۷/فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۴۲۸-۴۳۰).

۳-۳-۹. هدایت نکردن برخی افراد

در آیه دوازدهم سوره انعام، خداوند به رحمت و مهربانی توصیف شده است؛ حال آنکه در آیه ۴ سوره ابراهیم و ۳۵ سوره انعام، آمده است که خداوند با اینکه می‌تواند، ولی برخی از افراد را هدایت نمی‌کند (Contradictions, No.43).

اندیشمندان اسلامی در پاسخ به این شبهه معتقدند مهربانی پروردگار با نداشتن الزام تکوینی به هدایت همه مردم منافات ندارد، بلکه خداوند به آنان حق انتخاب می‌دهد تا انسان‌های شایسته رحمت او شناخته شوند. این تعبیر که او هرکس را بخواهد گمراه می‌کند، از متشابهات بوده و به دستور خود قرآن باید با محکومات سنجیده شود (آل عمران: ۷)؛ از این رو گمراه کردن در قرآن، به معنای به حال خود رها کردن و یاری نکردن است؛ زیرا برابر آیه ۲۷ سوره ابراهیم، خداوند تنها ستمکاران را در ضلالت رها می‌کند و این درواقع، پیامد طبیعی اختیار و کیفر کردار آنان است (معرفت، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۱۹۸-۲۰۰/مقاله‌های جبر و اختیار؛ قضا و قدر؛ هدایت و ضلالت).

۳-۳-۱۰. دوستی یا دشمنی با خویشاوندان مشرک

ازجمله تناقض ادعاشده این است که قرآن از یک سو، به صراحت از دوستی با دشمنان خدا و پیامبرش، هرچند پدر و مادر یا فرزندان و خویشاوندان باشند، نهی

فرموده است (توبه: ۲۳ / مجادله: ۲۲)؛ ازسوی دیگر به فرزندان دستور داده است تا با پدر و مادر، هرچند مشرک باشند، رفتار نیک و شایسته داشته باشند (عنکبوت: ۸ / لقمان: ۱۵ / Contradictions, No.18).

به این اشکال این گونه پاسخ داده شده است که آنچه قرآن نهی کرده، دوستی و پیوند قلبی با پدر و مادر و خویشاوندان مشرک است و آنچه که بدان دستور داده، احترام و خوش رفتاری ظاهری با آنان است، هرچند مشرک باشند؛ زیرا خوش رفتاری همیشه با پیوندی قلبی همراه نیست؛ بنابراین میان این دو دستور، هیچ گونه ناسازگاری وجود ندارد (معرفت، ۱۴۲۳، ص ۲۵۵ / مقاله شرک).

۱۱-۳-۳. غرق شدن یا نجات یافتن فرعون

شبهه دیگری نیز مطرح شده است که در ناآشنایی با معانی واژگان قرآنی و کاربرد آنها ریشه دارد؛ ازجمله آنکه برابر آیه ۹۲ سوره یونس، هنگامی که فرعون، موسیؑ و بنی اسرائیل را تعقیب کرد، نجات یافت، ولی بر اساس آیه ۵۵ سوره زخرف، آیه ۱۰۳ سوره اسراء و آیه ۴۰ سوره قصص غرق گردید (Contradictions, No.89).

پاسخ این شبهه نیز بسیار روشن است؛ زیرا در آیه ای که در آن از نجات فرعون سخن می گوید (یونس: ۹۲)، آمده است «فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَكَ آيَةً»؛ واژه «بدن» به جسم بدون روح گفته می شود؛ بنابراین مفهوم آیه، این خواهد بود که فرعون غرق شد، اما خداوند جسد او را به ساحل افکند تا برای آیندگان مایه عبرت باشد (ابن عاشور، [بی تا]، ج ۱۱، ص ۱۷۲).

در توضیح این آیه، وجوه دیگری نیز مطرح گردیده و برخی «نُجِّيكَ» را برگرفته از واژه «نحوه»، به معنای زمین مرتفع دانسته اند، نه نجات؛ یعنی بدنت را به سرزمین بلند افکندیم. برخی دیگر بدن را به معنای زره دانسته اند؛ زیرا فرعون زرهی معروف از طلا داشت و خداوند آن را برای عبرت دیگران به ساحل افکند. البته علامه طباطبائی تفسیرهای این گونه را لازم ندانسته و وجود واژه بدن را برای دفع این پندار که فرعون زنده ماند، کافی می داند (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۱۱۸-۱۱۹). در این پیوند در روایتی از امام رضاؑ آمده است که سرتاپای

اهداف نزول قرآن؛ از هدایت فردی تا تشکیل جامعه الهی (تحلیلی نظام‌مند از مقاصد میانی و نهایی)

فرعون غرق در زره و سلاح بود و به‌طورطبیعی می‌بایست پس از غرق‌شدن به قعر دریا می‌رفت، ولی امواج، آن بدن سنگین را به ساحل بلندی انداخت که یک معجزه بود (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۴۱۷).

۱۲-۳-۳. همه پیامبران از نسل ابراهیم

اختلاف ادعاشده دیگر آن است که برابر آیه ۲۷ سوره عنکبوت، همه پیامبران از نسل ابراهیم به‌وجود آمده‌اند، اما در آیه ۳۶ سوره نحل آمده است که خدا پیامبران را از میان همه مردم برانگیخت (Contradictions, No.108).

در پاسخ به این شبهه بیان شده است، آنچه در آیه ۲۷ سوره عنکبوت درباره حضرت ابراهیم آمده مبنی بر اینکه نبوت در نسل او قرار داده شده بدین معنا نیست که مقام پیامبری، ویژه فرزندان ابراهیم باشد؛ زیرا ازسویی آیه هیچ دلالتی بر مفهوم انحصار ندارد و ازسوی دیگر اثبات شیء به معنای نفی غیر نیست؛ بنابراین وجود نبوت در فرزندان ابراهیم با این موضوع که در دیگر امت‌ها نیز خداوند پیامبرانی را برگزیند، سازگار است.

۱۳-۳-۳. ناهمگونی آیات مکی با مدنی

گلدزیهر (گلدزیهر، ۱۳۶۷، ص ۱۴-۱۵) و خاورشناسانی دیگر ادعا کرده‌اند که قرآن در دو بخش مکی و مدنی دارای ناهمگونی بوده و این نشانه دگرگونی در سرشت و اندیشه حضرت محمد و تأثیرپذیری او از محیط و اهل کتاب است؛ آنان، این ناهمگونی را در چند محور تفکیک کرده‌اند: تفاوت در سبک ادبی (پایین‌تر بودن بلاغت آیات مدنی)، ناهمسانی در کوتاهی آیات مکی و بلندی آیات مدنی، تعارض در شیوه برخورد (رویکرد آیات مکی، تند و خشن، ولی لحن آیات مدنی ملایم‌تر است)، ناهمگونی در تشریع احکام (آیات مکی از تشریع بی‌بهره است، اما آیات مدنی از تشریع احکام سخن می‌گویند) و تفاوت در برهان و استدلال (آیات مکی بدون برهان و دلیل، ولی آیات مدنی مبتنی بر استدلال هستند) (زرقانی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۱۸۶-۲۱۴/عباس، ۱۴۲۱، صص ۴۳، ۵۰ و ۱۳۹/رضوان، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۵۷۷-۵۹۵/مقاله مکی و مدنی).

به شبهه‌های یادشده به دوروش حلی و نقضی پاسخ داده شده است:

۱. تأثیرپذیری از محیط و همگامی با آن برای تأثیرگذاری در مردم با یکدیگر متفاوت‌اند؛ آنچه نقص به‌شمار می‌آید، تأثیرپذیری از محیط است، ولی تأثیرگذاری بر آن، همگام با فرهنگ جامعه و سخن گفتن متناسب با محیط، شیوه سخن‌دانان ورزیده بوده و شرط بلاغت است.

درعین حال باتوجه به اهمیت هموار نمودن مسیر دعوت و ایجاد زمینه گسترش اسلام، بین سوره‌های مکی و مدنی تفاوت‌های ناگزیری به وجود آمد؛ چراکه هر حرکتی در آغاز با مشکلات فراوانی روبه‌روست که باید نخست در رفع آنها کوشید؛ پس از آن، زمینه بیان آشکار اهداف و مقاصد فراهم شده و دعوت، با بیان شریعت همراه می‌شود؛ بنابراین اسلوب و شیوه بیان و چگونگی دعوت، در دو حالت یادشده متفاوت خواهد بود (معرفت، ۱۳۷۸، ص ۸۸)؛ ازهمین‌رو در مکه، تأکید تبلیغی و هدایتی قرآن و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بیشتر به تغییر بینش‌های نادرست و شکستن مقاومت مشرکان دراین‌باره و نیز ارائه دیدگاه‌های درست و فراخواندن مردم به ایمان معطوف گردید: بینش‌هایی درباره خدا و صاحب‌اختیاری مطلق او، ضرورت پرستش و اطاعت از وی، آغاز و فرجام و سنن جاری در هستی، توجه انسان به موقعیت نامطلوبی که در آن به‌سر می‌برد و عواقبی که در فرجام زندگی با آن مواجه خواهد شد، یادآوری مسئولیت انسان در برابر پروردگار و باورمندکردن مردم به نظام کیفر و پاداش، ایمان به رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر انبیا و پذیرش قرآن و کتاب‌های آسمانی دیگر و پاره‌ای امور دیگر که پشوانه عمل به ارزش‌ها و احکام الهی است؛ این تحولات زمینه‌ساز پرداخت تفصیلی به دستورات و احکام الهی در مدینه شدند؛ هرچند در مکه نیز فرامینی مبنی بر عمل به احکامی همچون اقامه نماز، پرداخت زکات و بسیاری از رفتارهای اخلاقی شایسته و دوری از بسیاری از محرمات یافته می‌شود که برعکس دیدگاه شرق‌شناسان، گویای سازواری، هماهنگی و حکیمانه‌بودن آموزه‌های بینشی، ارزشی و دستوری قرآن است.

۲. آنچه در شبهه‌های یادشده آمده، رویکرد کلی نداشته و ویژگی‌های مطرح‌شده در هردو گونه مکی و مدنی مشترک است؛ گرچه در گونه‌ای کمتر و در دیگری بیشتر است؛

اهداف نزول قرآن؛ از هدایت فردی تا تشکیل جامعه الهی (تحلیلی نظام‌مند از مقاصد میانی و نهایی)

از این رو تنها سوره‌های مکی دارای ویژگی وعید و تهدید نیستند، بلکه در بسیاری از سوره‌های مدنی نیز - متناسب با مخاطبان - از روش شدت و عنف و تهدید استفاده شده است؛ مانند آیات ۲۴، ۲۷۵، ۲۷۸ و ۲۷۹ سوره بقره؛ همچنین شدت لحن آیاتی که در برخورد با منافقان و سرسختان اهل کتاب در مدینه نازل شده، کمتر از آیاتی که در مکه در برخورد با مشرکان نازل شده، نیست و گاه بسیار شدیدتر است؛ از این رو شاید بتوان تندترین سوره قرآنی را سوره براءت دانست که از آخرین سوره‌های نازل شده در مدینه است. در مقابل، در بسیاری از سوره‌های مکی نیز می‌توان ملایمت و نرمش در سخن را یافت؛ مانند آیه ۵۳ سوره زمر و آیات ۳۸ و ۳۹ سوره شوری.

در مکه نیز سوره‌های بلند و متوسط فراوانی نازل شده است؛ مانند (انعام: ۱۶۵/ اعراف: ۲۰۶/ اسراء: ۱۱۱/ کهف: ۱۱۰/ طه: ۱۳۵/ مریم: ۹۸/ انبیا: ۱۱۲/ مؤمنون: ۱۱۸)؛ همچنان‌که در مدینه نیز سوره‌های کوتاه نازل شده است؛ مانند نصر، زلزله و یثی.

همچنین برخی از سوره‌های مکی نیز به بیان احکام پرداخته‌اند؛ مانند آیه‌های ۱۴۱ تا ۱۴۶ سوره انعام در بیان حکم شرعی ثمرات و انعام و نیز شرح حلال و حرام آنها و آیه‌های ۱۵۱ و ۱۵۲ همین سوره که در بردارنده بیان کارها و اموال حرام و حلال است؛ در آیه‌های ۳۱ تا ۳۳ سوره اعراف نیز درباره حلال، حرام، زینت‌ها، فواحش و... به بیان مسائلی پرداخته شده است؛ همچنین در اسراء که سوره‌ای مکی است، بسیاری از مبادی اخلاق و احکام اولیه اسلام به تفصیل آمده است؛ بنابراین ادعای نبودن احکام در سوره‌های مکی پذیرفتنی نیست.

ادعای وجود نداشتن استدلال در سوره‌های مکی نیز مردود است؛ زیرا در این سوره‌ها هم، استدلال‌های فراوانی به چشم می‌خورد؛ چنان‌که در آیه ۹۱ سوره مؤمنون و آیه ۲۲ تا ۲۴ سوره انبیا برای نفی فرزند و شریک داشتن خدا، به ارائه برهان پرداخته شده است؛ همچنین در آیات ۴۸ تا ۵۱ سوره عنکبوت درباره اثبات نبوت، در آیات ۹ تا ۱۱ سوره ق و در آیه‌های ۲۱ و ۲۲ سوره جاثیه درباره قیامت، برهان‌هایی آمده است (معرفت، ۱۳۷۸، ص ۸۵-۸۷/ مقاله‌های تاریخ‌گذاری قرآن؛ مکی و مدنی).

۱۴-۳-۳. شبهه تعارض قرائت‌ها

برخی از منتقدان، وجود تعارض میان دو قرائت در یک آیه را همچون تعارض دو آیه دانسته و ناهمسانی قرائت‌ها را انگیزه بروز اختلاف در قرآن شمرده‌اند؛ زیرا هرکس قرائت خویش را سخن پروردگار می‌داند؛ بر ایند این ناهمسانی‌ها در قرائت، شائبه نزول قرآن همراه با همین اختلاف‌هاست (ابن قتیبه دینوری، [بی‌تا]، ص ۲۴)؛ چنان‌که گلدزیهر بر همین اساس با بیان شبهه‌ای معتقد است که در میان کتاب‌های دینی، هیچ‌یک مانند قرآن دچار پریشانی و بی‌ثباتی از جنبه نص و متن نیست؛ او برای توجیه‌پذیری انگاره خود نمونه‌هایی از موارد اختلاف را نیز برشمرده است (گلدزیهر، ۱۳۸۳، ص ۲۹/۲۳۷، Mir, 2006).

دانشوران اسلامی در پاسخ به شبهه‌های پیش‌گفته، تأکید دارند که قرآن و چگونگی قرائت‌ها دو حقیقت متفاوت هستند؛ زیرا قرآن همان متن وحیانی است که به‌دست جبرئیل بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شده شده و مسلمانان به‌طور مستقیم آن را از پیامبر ﷺ دریافت کرده‌اند؛ پس از آن، آیات قرآنی به‌گونه‌ای مستفیض و متواتر، از نسلی به نسل دیگر منتقل شده‌اند، ولی قرائت‌ها، واژگان و تعبیرهای گوناگونی از همان وحی فرودآمده هستند که هنگام نگارش یا قرائت، به شکل متن وحیانی نمود یافته است؛ به دیگر سخن، قرائت‌ها، اجتهادها، استنباط‌ها و برداشت‌های قاریان، برای دستیابی به همان متن و نصّ یگانه است و تفاوت و تعدد اجتهادهای شخصی بود که به پیدایش گوناگونی قرائت‌ها انجامید (زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۱۸/خوبی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۸/معرفت، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۷۴-۷۵)؛ همان‌گونه که امام صادق ﷺ نیز قرآن را متنی یگانه می‌خواند که از سوی خدای یگانه نازل شده و اختلاف‌های موجود از سوی راویان به‌وجود آمده است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۳۰).

افزون‌براین قرائت‌های گوناگون، مجموعه‌ای از روایت‌های مرسل هستند که بر فرض برخورداری از سند و صحیح بودن آن، در حد خبر واحدی تلقی می‌شوند که نمی‌توانند چیزی از قرآن را ثابت کنند؛ زیرا برای اثبات قرآن به نقل قطعی و متواتر نیاز است که این ویژگی را نیز تنها در قرائت حفص از امیر مؤمنان ﷺ می‌توان یافت (معرفت، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۱۹۰-۱۹۵/مقاله قرائات قرآن).

اهداف نزول قرآن؛ از هدایت فردی تا تشکیل جامعه الهی (تحلیلی نظام‌مند از مقاصد میانی و نهایی)

نتیجه

این پژوهش نشان داد که ادعای ناسازگاری در محتوای قرآن، فاقد پایه استوار علمی است. قرآن کریم با صراحت تمام هرگونه اختلاف را از خود نفی کرده و شواهد درونی (هماهنگی معارف حول محور توحید) و بیرونی (روایات معصومان) بر انسجام عمیق آن گواهی می‌دهند. موارد به ظاهر متعارض، عمدتاً ناشی از نگاه جزئی‌نگر، غفلت از قرائن، تفکیک‌ناپذیری مراتب و شرایط مختلف یک حکم، یا عدم تطبیق قواعد صحیح تفسیری است. راه‌حل اصلی برای رفع این شبهات، «تفسیر قرآن به قرآن» و در نظر گرفتن آیات به مثابه اجزای یک کل منسجم است که یکدیگر را شرح و تأیید می‌کنند؛ بنابراین انسجام محتوایی قرآن نه تنها یک ادعا که واقعیتی است که با تدبر در کل آیات و به کار بستن روش‌های صحیح فهم متن، به وضوح قابل درک است.

منابع

۱. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی؛ زادالمسیر فی علم التفسیر؛ تحقیق محمد بن عبدالرحمن؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
۲. ابن حزم اندلسی، علی بن احمد؛ رسائل؛ تحقیق احسان عباس؛ بیروت: المؤسسة العربیه، ۱۹۸۳م.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی؛ مناقب آل ابی طالب؛ تحقیق گروهی از اساتید نجف اشرف؛ نجف: المكتبة الحیدریه، ۱۳۷۶ق.
۴. ابن عاشور، محمد بن طاهر؛ التحرير والتنوير (تفسير ابن عاشور تونسى)؛ بیروت: مؤسسة التاریخ، [بی تا].
۵. ابن قتیبہ دینوری، عبد اللہ بن مسلم؛ تأویل مشکل القرآن؛ تحقیق ابراهیم شمس الدین؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، [بی تا].
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ قم: نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق.
۷. بدوی، عبدالرحمن؛ دراسات اسلامیه من تاریخ الالحاد فی الإسلام؛ قاهره: سینا للنشر، ۱۹۹۳م.
۸. تهانوی، محمد علی؛ موسوعة کشاف اصطلاحات الفنون والعلوم؛ بیروت: مکتبه لبنان ناشرون، ۱۹۹۶م.
۹. جعفری، محمد تقی؛ قرآن نماد حیات معقول؛ تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۸۲.
۱۰. جوادى آملى، عبد الله؛ تفسير موضوعی قرآن کریم؛ قم: نشر اسراء، ۱۳۷۸.
۱۱. حلی (علامه حلی)، حسن بن یوسف؛ الجوهر النضید؛ قم: انتشارات بیدار، ۱۳۷۱.
۱۲. خالدی، صلاح عبدالفتاح؛ التفسیرالموضوعی بین النظرية والتطبيق؛ اردن: دارالنفائس، ۱۴۱۸ق.
۱۳. خالدی، صلاح عبدالفتاح؛ تعریف الدارسین بمنهج المفسرین؛ دمشق: دارالقلم، ۱۴۲۳ق.
۱۴. دهخدا، علی اکبر و دیگران؛ لغت نامه؛ تهران: مؤسسه لغت نامه دهخدا و دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ القرآن؛ تهران: نشرالکتاب، ۱۴۰۴ق.

اهداف نزول قرآن؛ از هدایت فردی تا تشکیل جامعه الهی (تحلیلی نظام مند از مقاصد میانی و نهایی)

۱۶. رشیدرضا، محمد؛ تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۴ق.
۱۷. رضوان، عمر بن ابراهیم؛ آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره؛ ریاض: دارالطیبه، ۱۴۱۳ق.
۱۸. زرقانی، محمد عبدالعظیم؛ مناهل العرفان فی علوم القرآن؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۱۹. زرکشی، محمد بن عبدالله؛ البرهان فی علوم القرآن؛ تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم؛ بیروت: دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۶ق.
۲۰. زمخشری، محمود بن عمر؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقوایل فی وجوه التأویل؛ تحقیق محمد عبدالسلام شاهین؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ق.
۲۱. سبحانی، جعفر؛ منشور جاوید (تفسیر موضوعی)؛ قم: انتشارات توحید، ۱۴۰۱ق.
۲۲. سید رضی، محمد بن حسین؛ حقائق التأویل فی متشابه التنزیل؛ تحقیق محمد رضا آل کاشف الغطاء؛ قم: دارالکتب الإسلامیه، [بی تا].
۲۳. سید قطب، قطب بن ابراهیم؛ فی ظلال القرآن؛ بیروت: دارالشروق، ۱۴۱۲ق.
۲۴. سیوطی، جلال الدین؛ الأتقان فی علوم القرآن؛ تحقیق سعید مندوب؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۶ق.
۲۵. شواره، عبدالجبار؛ بحوث فی القرآن الکریم؛ قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۶ق.
۲۶. شنقیطی، محمد امین؛ دفع إيهام الاضطراب عن آیات الكتاب؛ تحقیق عمر عبدالسلام سلامی؛ بیروت: مؤسسة التاريخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۲۷. صدر، سید محمد باقر؛ المدرسة القرآنیة؛ قم: مرکز الأبحاث والدراسات التخصصیة للشهید الصدر، ۱۴۲۱ق.
۲۸. صدوق، محمد بن علی؛ معانی الأخبار؛ تحقیق علی اکبر غفاری؛ قم: نشر اسلامی، ۱۴۲۱ق.
۲۹. طباطبائی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ تحقیق عده ای از محققان؛ بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۴۱۵ق.
۳۱. طبری، محمد بن جریر؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ تحقیق احمد قصیر عاملی؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].

۳۳. عباس، فضل حسن؛ قضايا قرآنية في الموسوعة البريطانية (نقد مطاعن ورد شبهات)؛ عمان: دارالفتح، ۱۴۲۱ق.
۳۴. عبده، محمد؛ نهج البلاغة؛ بيروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
۳۵. عياشي، محمد بن مسعود؛ تفسير العياشي؛ تحقيق سيد هاشم رسولي محلاتي؛ تهران: المكتبة العلمية الإسلامية، [بی تا].
۳۶. فخر رازی، محمد بن عمر؛ التفسير الكبير (مفاتيح الغيب)؛ بيروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۲۰ق.
۳۷. فراهیدی، خليل بن احمد؛ العين؛ تحقيق مهدي مخزومي و ابراهيم سامرائي؛ قم: مؤسسة دارالهجرة، ۱۴۱۰ق.
۳۸. فیض کاشانی، محسن بن مرتضی؛ تفسیر الصافی؛ تهران: انتشارات صدر، ۱۴۱۵ق.
۳۹. قاضی عبدالجبار اسدآبادی، عبدالجبار بن احمد؛ المغنی فی أبواب التوحید والعدل؛ تحقيق جورج قنواني؛ قاهره: الدار المصریه، ۱۹۶۵م.
۴۰. قاضی عبدالجبار اسدآبادی، عبدالجبار بن احمد؛ تنزیة القرآن عن المطاعن؛ بيروت: دار النهضة الحديثة، ۱۴۲۶ق.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تحقيق علی اکبر غفاری؛ تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۲۶ق.
۴۲. گلدزیهر، ایگناز؛ العقيدة والشریعة فی الإسلام؛ ترجمه محمد یوسف موسی؛ بيروت: دارالرائد العربی، ۱۳۷۶ق.
۴۳. گلدزیهر، ایگناز؛ گرایش های تفسیری در میان مسلمانان؛ ترجمه سیدناصر طباطبایی؛ تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۳.
۴۴. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار؛ تحقيق محمدباقر بهبودی؛ بيروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۴۵. مراغی، احمد بن مصطفی؛ تفسیر المراغی؛ بيروت: دار إحياء التراث العربی، [بی تا].
۴۶. مصباح یزدی، محمد تقی؛ معارف قرآن (خداشناسی، کیهان شناسی، انسان شناسی)؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۶.
۴۷. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار استاد شهید مطهری؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۷.
۴۸. مظفر، محمدرضا؛ المنطق؛ قم: نشر اسلامی، [بی تا].
۴۹. معرفت، محمد هادی؛ التفسير والمفسرون فی ثوبة القشيب؛ مشهد: الجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية، ۱۴۱۸ق.

اهداف نزول قرآن؛ از هدایت فردی تا تشکیل جامعه الهی (تحلیلی نظام‌مند از مقاصد میانی و نهایی)

۵۰. معرفت، محمدهادی؛ التمهید فی علوم القرآن؛ قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۵۱. معرفت، محمدهادی؛ شبهات وردود حول القرآن الکریم؛ قم: مؤسسه التمهید، ۱۴۲۳ق.
۵۲. معرفت، محمدهادی؛ علوم قرآنی؛ قم: مؤسسه التمهید، [بی‌تا].
۵۳. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴.
۵۴. موسوی خویی، سیدابوالقاسم؛ البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دارالزهراء، ۱۳۹۵ق.
۵۵. نجفی خمینی، محمدجواد؛ تفسیر آسان (منتخب از تفاسیر معتبر)؛ تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۹۸ق.
56. "Contradictions in the Qur'an". (n. d.). Retrieved from <http://www.Islam - answering.org>.
57. Mir, M. (2006). Textual Criticism of the Qur'an. In J. D. McAuliffe (Ed.), Encyclopedia of the Qur'an (Vol. 5, p.237). Brill.
58. Mir, M. (2006). Unity of the Text of the Qur'an. In J. D. McAuliffe (Ed.), Encyclopedia of the Qur'an (Vol. 5, p.405). Brill.
59. Shepard, W. E. (2006). Sayyid Qutb. In O. Leaman (Ed.), The Qur'an: An Encyclopedia (p. 569). Routledge.